انعکاس مظاهر مدینی غرب درسفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه به اروپا

دکتر عبدالله متوی
دانش‌پژوه تاریخ ایران دوره های اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک، ایران

دکتر علی اصغر میرزایی
استاد جامعه‌شناسی ایران باستان دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک، ایران

حمید چراغی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد ایران اسلامی دانشکده علوم و علوم انسانی دانشگاه اراک، ایران

Hamidcheraghi20@Gmail.com

چکیده

قرن نوزدهم میلادی زمان نضج‌گیری انديشگری و اقدامات مجدیدانه در جامعه‌ای عصر قاجار می‌باشد. در طوری که ضرورت انجام اصلاحات تجدید‌خوانی در نزد خیگان جامعه به ضرورتی اجتناب نازدیری‌بی‌دلشده بود. این اصلاحات با اعمال نامطلوب سیاسی و اجتماعی، اقدامات جامعه‌ای ایران حکومت قاجار، در عهد ناصرالدین‌شاه رابطه‌های مشروط و عدم مقبولیت رهبری و هم‌زمانی این اقدامات با خشکی از منافع مشروطیت در زمان فرمانش را پاک‌سان‌پذیر کرده‌اند. به این شکل، ضرورتی از اقدامات تجدید‌خوانی و ناجیانه در حکومت‌شده‌های ایران بی‌گزینه‌ای بوده و از این‌رو مشروطیت در زمان فرمان‌شده‌های ایران، با شهرت و تجلیل رهبر‌نظام‌الدولتی در نسبت به پدیده‌های ایرانی تجربه شده است. این سفرنامه به متن سه سفرنامه‌ای که حاصل تعامل مستقیم از اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غرب می‌باشد، برآیند و ناشی از این مشکلات به درکی‌کننده جامع تر از نحوه تعامل این شاه نسبت به پدیده‌های تجدید‌خوانی باید است.

واژگان کلیدی: ناصرالدین‌شاه قاجار، سفرنامه‌های، اقتصاد، سیاسی، سیاست‌پردازی، اجتماع‌شناسی، فرهنگ و مذهبی
پیش‌دیدن به عنوان یک جریان فکری علمی و فلسفی که حوزه‌های گوناگونی چون فلسفه، علم، معرفت سیاسی، جامعهٔ انسانی و روانشناسی، علوم اجتماعی و اخلاق، سیاست و سیاست‌های راهبردی و... را شامل می‌شود، عبارت است از مجموعه‌ای از ارزیابی و بی‌توجهی‌های تمدن‌های جدید که مولفه‌های جدیدی چون علم انسانی، عقل گرایی، فرهنگ‌پردازی، برادری، طراحی، آزادی‌بخشی و آزادی خواهی و... را در بر می‌گیرد. گذشته‌ای این مولفه‌های معنایی، تحالده در قالب مردم‌سازی‌های تمامی نمودهای مادی تمدن غرب را شامل می‌شود، این پدیده‌های تاریخی از آن‌ها قرن پانزدهم در غرب اروپا و آمریکا شماپی (آگاه قرون و از همان بدو شکل گیری با شروع عصر استعمار روشن بست و گسترش خویش در سایر ممالک جهان را آغاز نموده که قرن نوزدهم همزمان با اوج گیری پدیده استعمار در نتیجه انقلاب صنعتی صرفت بیشتری به خود می‌گیرد.

در قرن نوزدهم میلادی هرمزدان با پادشاهی ناصرالدین شاه فاجار، نظر به بحران‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی جامعه فاجارکه ناشی از عواملی چون: انتی‌میات و حقوق و پرتوی حکومت نیو و شاهزادگان، فروش مناصب حکومتی، بی‌کفاوی کارگران حکومت، دخالت روزافزون، روحانیون و علمدار حکومت، ضعف و نزدیک‌سازی مصایع محلی واردات بی‌رویه، گرانی، فحش و خشکسالی، نظام مالیاتی طالمانه، رفتار طالمانه حکومتی ایالت‌های برتر، فساد اجتماعی و... که در منابع تاریخی به کرایت به چنین بحران‌هایی اشاره شدند حکومت به مرز ناکارآمدی و بحران مشروطی رسیده بود، گذشته‌ای از وجود چنین اوضاع و شرایطی، خواست و اصلاحات و اقدامات تجدید‌خوانی به درد‌نخیب درون و برخور از ساکت و کردار قدرت فاجار در این دوره به ضرورتی اجتناب ناپذیر بنا به طوری که ضرورت اجرای شدن موضوعاتی چون: برادری، آزادی، حکام‌سوی ملی، تفکیک قوانین، موزش و پرورش عرفی، ورود صنایع جدید و... در نزد اندیشه ورود و روشن‌گری ایرانی در این دوره مطرح می‌گردد. مجموعه‌ای از این علل و عوامل در کلار اوضاع و شرایط بین‌المللی همچنین تهیه نظام نظارت ائام‌اراده، اقدامات نزارالکساندر و دوم در حذف نظام ارباب و رعیتی، نظام ایستاده دولت پروس در لقان‌های نظام پارلمانی که
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

شخص بی‌سمارک مورد علاقه‌ی ناصرالدین شاه بود در کنار علاقه‌ی شخصی شاه به مدرنیزاسیون که
می‌توانست حکومتش را مترقی و شکوهمند نشان دهد موجب تمایل و گرایش او به تجدید گردید.
ناصرالدین شاه در سه دهه‌ی آخر قرن نوزدهم سه سفر به مغرب زمین‌نمونه‌ها چه در این سفر
سفرکه اولین آنها به تشویق و ترغیب میزبانی‌های خانه‌سپاس‌الا بیان شده آشنا نمودن شاه با
پیشرفت‌های تمدن غرب بود. پا درست کرد از راه‌گذری آن‌ها. منشأ اقدامات اصلاحی و پیشرفته‌ها
گرددو سفر دوم و سوم با برخواست خود ناصرالدین شاه به‌منظور تقدیم و تشویق است. این نوشته‌ها از آنجایی که
تکلیفی، جنبه‌های منتوژ و گوناگون مدرنیته‌ها را توصیف و نگاشته است. این نوشته‌ها آن‌ها از آنجایی که
حاصل تعالو و روابط مستقیم و پراسته‌ی ناصرالدین شاه با مظاهر مدنیت غرب می‌باشد.
نقشه نورشون، ساختن نمو و چگونگی رویکرد این شاه قاضی نسبت به پیاده‌کردن غرب
واجداً ارزش و اهمیت در خرو و قول اعتیامی باشد. آنجه در زمینی پیشینه‌ی این پژوهش قابل
توجه می‌باشد اینکه، جدید کتاب تجدید و تجدید سه‌تیری تالفین درک عباس میلانی که در آن به
صُرتی مختصر و موجز ابتدای جنبه نگارش و پیشانی‌های این سفرنامه‌ها را از نظر نقطه نظر
تجدید بررسی و درک و تحلیل قرار داده، کار تحقیقی دیگری انجام نگرفته و این منظر کار
پژوهشی انجام گرفته کاری بکر و بیدع می‌باشد که بی‌جا باشد که با گام‌گذاری بررسی موضوع پردخته
است. با کنکاش در من، این سفرنامه‌ها می‌توان به پاسخ مناسب برای سوال این پژوهش که
عبارت است از رویکرد ناصرالدین شاه قاجار به پیدا‌کردن تجدید جگونه‌ی بوده است؟ دمست یافته
فرضیهایی که برای سوال این تحقیق ارائه شده است عبارت است از اینکه چینی به نظر می‌رسد که
ناسرالدین شاه به مبانی و مفاهیم اساسی و به‌نیماتو تجدید همگونی آزادی، برادری، حکم‌یت،
ملی، فردگرایی، تقیت‌خواهی و... در جریان این سفرها به اعتیاد بود و فکر و نظرش را عطوف به
مظاهر مادی تجدید نموده بودند. در این پژوهش، برآمی رویکردی انجام شاه قاجار را با جنبه‌های مختلف
می‌خواهی این سه سفرنامه مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم. از آنجایی که یکی از اهداف اصلی هر
جامعه‌ای گام برداشتن به نحوی توسطه و ترقی می‌باشد و این مهم جزو ضرورت درک تلاش در جهت دست یافتن به مدرنیت حاصل نمی‌گردد این پژوهش تلاشی در راستای یافتن دلایل مخالفت حکومت‌ها با این پدیده مهم و با اهمیت است تا شاید با این فقط شناسی مواد حکومتی رسیدن به تجدید راه رسیدن به آن آسان‌تر گردد.

1. ناسرارالدین شاه و مبانی تجدید
تجلدگری بر از ارکان و بنیان‌های فکری و نظری تشکیل شده است که این بنیان‌ها مایه و پایه‌ی اصلی آن را نموده‌اند. این ارکان عبارت اند از: برادری، آزادی، فردگرایی، حالت‌افزار و اعتراض، مشارکت سیاسی، حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و...می‌باشند که ناسرارالدین شاه در سیاست داخلی اش به شدت با این مبانی و بنیان‌های تجدید مخالفت می‌زند و تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا به هر چه رهی‌نموده‌اند گردش‌گیری، کوچک‌ترین فضایی را برای شکل‌گیری جویندگی مفاهیمی اجلاس‌دهد. در این اثر هم واضح بود که این مبانی و مفاهیم متجددانه را برای تداوم قدرت سیاسی‌اش خط‌نواری می‌داده به طوری که در برای جلوگیری از فرا‌زندگی آگاهی به عنوان عنصراساسی که می‌توانست منجر به بیداری مردم و پروز حرکت‌های اعتراضی و انقلابی شود در دستگاه حکومت تلاش می‌شد با دقت لازم سانسور اعمال گردد: دستخط خیلی خوب شاه نوشته بوده همچنین عضوی های که برپرده‌اده بوده در باب ایجاد سانسور به جهت کتاب کتابی و غیره پسنده فرموده بودند مقرر شده بود این کار به من رجوع شود (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶، ۴۳۹/۶).

تاریخ و هرس ناسرارالدین‌شان از فرا‌زندگی گیری آگاهی در جمعه‌ای در حد و حدودی بود که کتاب حاصل را نیز که براساس سفارش خوشش، دستور ترجمه گرفته بود به عنوان مقاطعه، دستور پایگاهی نموده‌اند را صادر می‌کرد (امامت، ۱۳۸۵، ۵۵) این نمونه‌ها در کتاب‌های بسیاری دیگر چون جلوگیری از رفتار جوانان به کشورهای ژرمنی (تیموری، ۱۳۲، ۱۸-۱۸۵) تاکید بر این نکته که نورکارها و مردم مملکت چر از ایران و عوامل خوششان از جایی خبر نداشته باشند بوده و غیره که اگر اسم پارسی با بروکسل نزد آنها برده شود ندانند خوردنی ای پوشیدنی است (امین، ۱۳۵۵، ۱۲۳) ناشان می‌دهد
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

که این شاه فاجعه به مفاهیم و پیان‌های تجدید علاوه‌ای نداشت‌ه و با آن‌ها سر سبز و منفعت داشت، حال با توجه به فحوا و متن سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به بررسی و تحلیل چگونگی رویکردش به این موضوع میرادیم.

الف. برایی

درقاموس فکری ناصرالدین شاه برایی انسان‌ها و آزادی عمل و رفتار ایشان کمترین چیز‌یگاهی
نداشت از این رو در جریان سفر سومش به فرانسه از مشاهده‌های گردشان‌های صاحب منصبان آلماً نسبت به امپراطور دیگر شگفتی شده و می‌نویسد: از شهر بسیاری گذشتیم و سخن به کنار رودخانه‌ای آنجا کشتی بخار در مرتبه حاضر کرده بوده‌ام و به‌ایال درف قیزی نداشت‌ه. آتفاب بود باید تا آن‌ها نشست‌ه مه رفتنی تا کشتی امپراطور میل داشت برای مرتبی بالا نتوانست بنشینیم. آتفاب آن قدر گرم بود که اگر آدم زیاد می‌نشست می‌دمید نمی‌شود أنگا نشست. آدم‌پایی تنوی اتفاق نشست‌ه امپراطور هم به آدام‌پایی می‌نستیم. بر خاستن. صحبت می- کردم. حرف می‌زدیم. چیز می‌خوردیم. صاحب منصب‌ها همه راه می‌رفتند. می‌نشستند آزادی بود و یکی ایستاده کوشش را به امپراطور کرده بود سیگار می‌کشیده‌ام. حالات آزادی داشتند.»

ناصرالدین شاه. ۱۳۷۳، ص۲۲۰. یکی شا انتظار رعایت قید و قیود ملکان در تماس اعمال و رفتار صاحب منصبان برای امپراطور را داشت. چیزی که عدم رعایت آن در ساختار حکومت قاجارها می‌توانست مستوجب تنیبی شود چرا که شاه در جایگاه ظلم الوصی خود، از موضعی نابرابر با دیگران قرار می‌گرفت.

اساساً نابرابری در خون و پوست ساختار حکومتی قاجار در تماس سطوح عقیدتی، جنرالیتی، و طبقاتی اش آمیخته بود. این نوع طرح تلقی در سفرنامه‌های شاه به فرنگ تنوداری می‌شد. چه آنجا که زن‌را ضعیف‌ه می‌دانست و جز برای ازدجی و کام خواهی ازشی برا آن قانع نبود و چه شگفتی از یک شاه‌بزرگ و از ازدجی و کام خواهی ازشی برا آن قانع نبود و از آن‌جا که شاه در ساختار حکومتی قاجارها،، در فرهنگ عمومی جامعه‌ه، عصر قاجار نیز از اعتبار و اعتنایی بس کافی برخوردار بود و آن قنان برای نقش زن در اجتماع اعتباری وجود نداشت که برای اصطلاح بی‌پردازه رود یا در این دوره لفظ مرد روهای کار می‌رفت. توصیف تاج السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه در کتاب خاطرات خود گویای
موضوع نابراین زن ایرانی در جامعه فارسی‌زبان می‌باشد: "زن‌های ایرانی از نوع انسان مجزا شده و جزو بهایی و وحوش هستند. از صبح تا شام نا امیدانه در یک محلگر زندگی می‌کنند. در ایران در خانه-هایی که ارتقاء دیوارها و سقف‌های در سه تا پنج درجه ارتقاء دارد مخلوق‌های سر و دست شکسته بخش‌یی با رنگ‌های زرد پرده و رنگ‌های گردن، برخی برخی به‌رغم قسمتی در تمام شبانه روز منظرت و گرفتی‌ها کننده در زنجیر اسارت به سرمی‌پرده (آدیبی، ۱۳۵۶: ۱۵۷-۱۵۸).

ناصرالدین شاه وقتي در آقاصفار به مقدم توافق سوار ترن می‌شودخانم نوازی‌اش در جهت نگاه کامجویانه‌اش جالب توجه است: "جمعیت زیادی در واقع را گرفته بودند از ایرانی، فرنگی و غیره یک دختر بسیار متفاوتی مثل هلو آنها یک بچه خیلی نقل داشت و مثل ماه بود. مادرش هم کلاه‌کرده بود. برای مثبت محسوس و مثبت یک دختر دیگری هم بود که موهاشی مثل درویشها به هم پیچیده بسیار خوشگل بود قدیر یک هر که در واقع متعلق بود تکمیل نگاه و خیالی بیش این دختری بود هرچه دیگران مگفتند ملکفت نیودم (همان: ۱۱۷). و یا از حرمت به زن مثل یک امپراطوری احساس شگفتی می‌کند: "مساله‌ی زن و انتخاب به آنها در فرنسپانچه‌ای عجیبی است مثل زن گریایی که زن یک صاحب کارخانه است مثل یک امپراطور بپای این حرم‌که گذاشته‌اند. احترام زنها در فرانسه‌چیز غیربپای است.

(آدیبی: ۲۲). و خو این پرستش ضعیف ب رای جنس زن که حکایت از جابجاه درجه دومی و دون پایه برا پایان انتظار است: در این هتل که ما منزل داریم پرنسس چربکار و روسم هم چندان است اینجا با دو بحر و دو دختر بزرگ و یک پسر کچک منزل دارند و چربکار از نجباها روست اما او چشم‌چشی اسکابانش می‌افتد شده مثل کور است و را نبودم. شهوت این ضعیفه "است. زنی این سن است" (ناصرالدین، ۱۳۵۶: ۱۳۰).

ب. ساختار و شکل حکومت‌ها

در ارتباط با شکل و احتمال حکومت، ناصرالدین‌شاه کوچک‌ترین صورت دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومت را حتی آنها که لحاظ انسان‌شکنشوران و ناگونه‌ها داشت نمی‌پذیرفت و به شدت با آن مخالفت می‌نمود. آنانچه در حق این‌ها کسانی که از اراده حکومت برای تغییر مهام السلطنه حاکم آنها خشنود شدند چنین روابطی را بر می‌گریند (آدیبی، ۱۳۵۶: ۳۷۸). تنفر شاه از حکومت جمهوری که در این شیوه حکومت‌داری قدرت از آن مردم و جریان آزاد
انعکاس مظاهر مدنی غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

اطلاعات و بسترها انتقاداتی و اعتراضی در آن می‌پاشند، به حذف بود که جراید حكومتی برای بی‌اعتراض نمودن یکدیگر در نزد شاه اظهار جمهوری خواهی را نسبت به هم به کار می‌برند. چنان‌چه امین السلطنه، امین الدولة در نزد شاه ای و را جمهوری طلب و مخالف سلطنت مطلقه معرفی می‌کرد، (امین الدولة، ۱۳۵۵: ۱۱۰). یادداشت هایی وی در سفرنامه‌ای نیز دلالت بر بی‌اعتنایی و بی‌علاطگی این نسبت به ساختارهای حکومتی مورد بینان و دموکراتیک دارد. هنگامی که وی در جریان سفرش در فرانسه از بی‌اعتباری عهدهبểuنی سوم به واسطه نظام جمهوری مدولویس، در واقع به صورتی نهفته تنفرش از چنین نوع نظام سیاسی را بیان می‌دارد. چرا که در چنین نظامی انسانها به عنوان موجوداتی زمینی فارغ از موقعیت‌های اجتماعی اشان چه شاه باشدند و چه رعیت در برادر قانون برادر مباشند. رفته کاره به باغ و عمارت پرنس ماتیلد عمه‌ی نابلوس سوم، داخل شدید. این باغ و خانه‌ی بی‌حاله‌ی بازداره‌ای خانه است. خوشش پارس است اینجا نبود. در این سلطنت نابلوس خیلی زن معتبری بوده است. این حالا جمهوری است دیگر آن اعتبارات را ندارد. (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۹: ۱۳۰).

چ. قانون‌ندی

ناصرالدین شاه در تیحه‌ی سفر به غرب به این مهم ی‌پرده بود که حضور نظام و انضباط و قاعده‌می‌دنی در غرب به واسطه قانون است و بدون آن نظم و قاعده‌می‌دنی معنا ندارد. در این اساس هر از جند گاهی در کشور نداد قانون خواهی سر می‌داد و رجای دل‌درمان حکومتی را به تدوین قانون فرا می‌خواند. خبر از این موضوع که بدون ساختار حکومتی مناسب و بدنی اجرایی قابل، این مهم عملی نخواهد شد. اگرچه از تحلیل نوشته‌های ناصرالدین شاه در پیوند با این موضوع دریافت می‌شود اینکه ایشان از حاکمیتی قانون در غرب، مفهوم برادرگرفتی افراد جامعه در برادر قانون را مستفاه نمی‌کردند بلکه تنها به حاکمیت نظم و انضباط در جامعه در سایه و وجود قانون اشاره دارند. مطلبی که ظل السلطنه در سفرنامه‌اش به افراد برخکس پدر به آن اشاره می‌نماید: »اگر وجودی که می‌گویند آزادی است و جمهوری است و هر که هرکی است چنین نیست به گونه‌ای مرمت بشه به زنجیر قانون مستند که شاه و گذا تحت حکم قانون مساوات دارند به خلاف توسط و اغماض که خاندانی عالی را خراب کرده در مملکت ما (ظرل السلطنه، ۱۳۶۸: ۱۸۷). در توصیف شهر ورشو
می نویسد: «اهل شهر از صاحب منصب و خانم و نوکر و پلیس و سرباز و سوار و فنوخ مشتی و
و غیر مشتی این شهر که توی کوه راه می روید و متصل در گردش هستند و این همه ترانواک و
کالسکه و پیاده سوار از پهلوی هم می رویند صادا یک فنر بند نیست و لباس همه یک جور است
و کسی میان آقانوکر و کنیز و خانم فرق نمی دهد. این نظم و بی صدا و آسوده هیچ نیست
مگر از قانون که می گذرند و در هر مملکتی که قانون دارد این طور است. که قانون ندارند هرچه و
مرح است تمام مملکت قانون دارد این طور بی صدا و آرام است.» (ناصرالدین شاه، 1373: 190).
آدیمی می نویسد: «شاه که از سفر آمد شهر را آذین بستند و آتش بازی راه اداختن همان روز
وزیران و شهردارگان اختصار گشتن اول حرف شاه این بود در این سفر ملاحظه کرده: تمام نظم و
ترقی اروپا به جهت این است که قانون دارند ما هم هم عزم خود را جرم نموده ایم، هر چه ایران قانون
ایجاد نموده از روی قانون رفتار نماییم، شما پشتیبان دیدیم، قانونی بنویسید و در این خصوص آن قدر
تاکید و اصرار کردنم و مبالغه نمودند که از حد و حصر گذشتی به گفته شاهزاده ملک‌آرا
هیچکدام از ما حاضران که جهیزی می فهمیدیم نتوانستم عرض کنیم که بند اول قانون سلب امتیاز
و خودسری از شخص همانوست و شما هرگز نمی کنیم نخواهید فرسود. لعلی همه بلى گفتیم و به هر حال هیأت پنگ نفری به رست کلمه‌آرا که به اصول قانون‌گذاری غربی آشتی بود
مامور قانون نویسی گر دید کتاب‌های حقوقی اروپا را این الدوله برای ترجیح فرستاد پس از یک
چند ملل‌آرا استعفا داد و این الدوله به جای او گمارده شد. جزو هوا اول براساس قوانین
فرنگستان فراهم آمد اما از همان اگاز کسی که به جز خوردند مال مردم و تقلب در حساب دیوان
دیگر جهیزی نمی دانستند بنا گذارند به ایجاد گرفتن به قوانینی که سالها حکم‌های فرنگستان زحمت
های در نوشتن آنها کشیده بودند. نایب السلطنه وزیر جنگ و داخله و امین السلطان وزیر اعظم نقضه
ی قانون نویسی را بر هم زندگی هم طلسم قانون نویسی نشکست این الدوله می نویسد این کار
وضع قانون هیچ نتیجه نمی دهد و اختلافات خودمان مهلت نخواهد داد که از متن حديث یک
کلمه به میان بیاید، مطلقاً و با استنادا یک خیال دارست و طرح حسابی به مقصود اصابت نمی کنند.»
آدیمی، 2535: 10/12-13). واقعیت این است که چنین طرح و برنامه‌هایی به صورت یک هوس
زودگذش در ذهن شاه به ظهور می رسید و بدون نتیجه‌ای معین زود هنگام می پیدا و تمام می شد.
انعکاس مظاهر مدنی غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

2 ناصرالدین شاه و مطاعون

ناصرالدین شاه اساسا با فضایی نشر و مطاعون‌های آن تأثیر مهاجمی برای قدرتش نداشت و شناگری قدرتش بود مخالفتی نداشت و با هر روزنامه‌ای که می‌خواهد نقد و انتقادی از حکومتش می‌نمود بالفور دستور توقف و بلوكه نمودن آن را صادر می‌کرد. در همین راستا بود که دستور تأسیس اداره سانسور و وزارت انطباعات را صادر، اما نظر مطالعی گردند که بر خلاف میل و اراده او نوشته می‌شد.

نشریه ایران که ارگان رسمی بود این روزنامه حق تحریر و نگارشی در پای سیاست خارجی نداشت و راجع به سیاست داخلی هم در اثر ترس از ناخوشودی شاه و حفظ شنون دولتیان مطلقی در آن درج نمی‌شد. بنابراین در آن اخبار انصابات وزیران و اتاق‌های شاهکاری و که از ضررت شست حضارت شهرنامه پیش آمد باشد نوشته می‌شد (کرزن، 1380: 148/1). ناصرالدین شاه در راستای کنترل نشریاتی که از منظر انقاد نسبت به حکومتش مطالب‌تان را و گناختند دستور توقف آن را صادر می‌نمود به طوری که ارتباط با نشریه قانون که در لندن توسط ملکم خان منتشر می‌شد، همسوری دستوری می‌دهد (اعتمادالسلطنه، 1328: 118) شاهی با چنین مواضعی نسبت به ضایع نشر بعدی می‌نماید، نسبت به مطبوعات آزاد روزنامه‌ی مثبت داشته باشد. طوری که در متن سفرنامه‌ها، به غرب نه روزکرد منفی اش به چنین مقوله‌ای آسکار می‌شد.

به میلی شاه نسبت به مطبوعات با کاربرد اصطلاحاتی که بار منفی و توهین آمیز داشت تا حدودی مشخص می‌شد وی در جریان سفر نیلم خود به اروپا با روزنامه نگارانی ارتباط برقرار می‌کرد که تعامل وی با ایشان قابل توجه است؛ در عمارت آنجا با کرده تیو اتناق به گردش کردن و برده‌ها را تماشا می‌کرد که یک دفعه دیدم دو فرندی به تاخت نفس زنان از غلب آمد به ما رسیدن. من تصور کرد که ناحیه هستند نشینند. از آن‌ها باید برای اماده کرده گفتم چه کار داریم. گفتند تکلیف ما این است که همه جا همراه باشیم. خیلی اوقات تلخ شد که اینجا هم از دست فضول‌ها خلاصی نداریم. همه جا این دو نفر پدر سوخته همره از بودن تأمین را توانست کالسکه کردن امتحوب شد
که آمده‌اید. (ناصرالدین‌شاه، 1373: 120) از کاربرد اصطلاحات فضول و پدر سوخته برای روزنامه‌نگاران نوع نگاه و طرح فکر ایشان به این مقوله روشان می‌شود. این طرز نگاه برای پادشاهی که با تمام توان و سخت شمشیر دومکس سانسور را برای روزنامه‌های خارجی و داخلی به کار می‌برد موضوعی شگفت انگیز و تبعید آور نیست. در جای دیگر برای مردمی که در عمارت و ساختار نقشه گرد می‌آید و بحث‌های دولتی و غیر دولتی می‌کند صفحه نیل را به کار می‌برد؛ بعده تالاری رفتنه که بسیار عالی و اطاق‌های متعدد دارد. در حقیقت بکه عمارت بسیار برگ عامل است که ساختاً قمارخانه بوده است و حالاً این تالار و عمارت کل سپاه عامل که من شده‌ام در صفحه نیل ابزار برای مردمی که با جمع شدن در کلوب عامل روزنامه‌خوانندن را به عنوان عملی آگاهی بخش انجام می‌دهد، نگاه منفی او به حوزه نشر روزنامه مشخص می‌گردد.

وی ضمن صحت از وجود آزادی در ممکت پلیسیک از وجود آزادی برای روزنامه‌نگاران است ممکت صفحه به میان می‌آورد که هره چنین سیاست‌های هشی به کرکد که درجه روزنامه نویسی‌سایه شو استناداً و یا بر فرمان قلم‌زمان انحاسی می‌کردن و لاجرم قلم بر حمدم و تئات و روان و جاری سازنده ممکت پلیسیک بسیار آزاد و رتب و حق امور علیه مجلس پارلمان است که وکلا آن‌ها جمع شده حکم می‌کند مجمع پارلمان عمارت عالی و در شbere است حالاً هم باز بود وکلا جمع بودند روزنامه‌نوسین این لایی برای آزاد هستند هرچه بنی‌پسند از هیچ کس باک ندارند. (ناصرالدین‌شاه، 1373: 80)

با وجود نفرات شام نسبت به روزنامه‌های آزاد، علاقه‌مندی از نسبت به روزنامه‌های حکومتی موضوعی مشخص و معلوم بوده به طوری که به روزگار وی نشست‌های حکومتی زیادی منتشر می‌شد در سفر اول خود به گرندیک دستگاه جایی‌ندازه به‌صورت وی‌فی روزنامه‌سازی که امتیاز نشرنگ خبره را از ناصرالدین‌شاه گرفته‌اند آن را به کارمند‌اند (بیانی، 1375: 1/ 1375)
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

۳. ناصرالدین شاه و نهادهای مدنی

ناصرالدین شاه در سیاست داخلی اش با هر گونه نهاد مردمی و غیر دولتی مخالفت می‌کرد و به محض اطلاع از وجود چنین نهادهایی در صطحی که خطری از ناحیه‌ای برابر قدرتش احساس می‌کرد، دستور توقف و بلوک کردن آنها را صادر می‌نمود. وقتی که ملزم‌های ذکر در راستای پیشرفت اصول مساوات و آزادی تشکیلات فرآیندی را تأسیس نمود و بسیاری از رجال و شخصیت‌های فاخری به عضویت آن درآمدند، چون اطرافیان شاه او از حضور وجود چنین تشکیلاتی ترساندند. البته دستور تعطیلی آن را صادر نمود (یکانی، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶). یا هنگامی که جمعی از جوانان تحصیلکرده در صدر آن بودند که کلوب و باشگاه‌های گز هم آمدند و به ثبت فرحاً نمودند دموده موضوعات مختلف چون کشورهای غربی به وجود آورند. از ناجیایی که تماسی حکومت‌های خودکامه از وجود چنین تجمعی‌های هراسانی‌ای نیز به واسطه ترس از چنین تشکیلاتی با یکسان تهیه و فرحاً آن را از چنین اقدامی‌انه منع نمودند (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۸۱). سخت‌گیری شاهان نیز به‌طور چشمگیری در صنف فرانسه این انجمن در راستای دفاع از حقوق به‌صورت ایرانی توسط شخص الیس فرانسوی با مجوز خودشان تاسیس شده بود و به شرط سالانه تشکیل می‌بافت این انجمن در جهت خدمت به به‌صورت ایرانی توسط شخص ثقفی وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اطرافیان شاه وی را به واسطه‌ی جهانی پردیس یکانی در صدر ایستاد. یکنین شاه رأی‌گیری نمود که این انجمن برآمد. کسانی از اط‌
تغییر کرده از فرقوی دوی نصب شوند. (ناصرالدین شاه، 1343: 111-113) در مورد دیگر به دست‌بندی‌های پیش‌بینی در مجلس فرانسه اشاره می‌نماید: تاریخ‌نامه به دارالشوری در اقامت نشستی‌ها مختص نفر وکل آن مجلس حاضر بودند ولایت دیست چی و دست راستی همه بودند دست چپ‌ها یا بر ضد دولت حالیه هستند چند نفر از زنرال‌ها و غیره حرف زدنداشتن جمله نرمال نوازل به‌صورت بسیار باریک و کم بود که نمی‌شیند که چه می‌گوید متصل ولایت دست چپ داد می‌زند که بلندید حرف بزن نایب متصقل زنگ می‌زد که ساخت باشند بسیار مشکل است که در این مجلس کسی بتواند حرف بزن بسیار تماشا دارد. (همان: 155). آنچه واقعیت است، این‌که ناصرالدین شاه نسبت به نظام حزبی غرب آگاهی جامع و کامیلی نداشت، شناخت وی از این مقوله ناشناخته سطحی و کم عمق بود و بر این اساس جلسات بحث و مناظره‌ای احتراب سیاسی به‌مانند دعاوی گروهی در نظر او جلوه گر می‌شد که صحن آن مشابه برای آن می‌آورد و شاید شاه به این سیاست مبتین بی مشارکت مرموز نگاهی تمسخر آمیز داشت فارغ از این که بداند فضای بحث و مناظره گروه‌های سیاسی براساس منافع ملی و نه فردی شکل می‌گرفت. آن چه درست به نظر می‌رسد این دیدگاه عباس میلانی است که: شاه در ظاهر بی‌شیر می‌بیاید گذشته داشت غریب‌شده نه تلمذ که تلذذ بود. در عین حال می‌خواست که گوش‌هایی از تجتید را به نفع ملی و سیاسی شخص پادشاه است به ایران بیاورد و سویه‌های خطرناکی آن چون دموکراتی و قانون را یا از بیخ براندزد یا خنثی کند. (میلانی، 1382: 130). داده‌های فراوانی که ناصرالدین شاه در متن سفرنامه‌هایش آورده‌است مورد این نکته می‌باشد که تمام توجه وی به جنبه‌های مادی و مدرنیزاسیون غرب بوده‌است و ساخت‌های معمولی و دموکراتیک آن برای شاه تمسخر آمیز و خندآور بوده است.

4 ناصرالدین شاه و مدارس به سبک جدید

سپید و سیاق آموزش در ایران عصر قاجار تا قبل از آموزش به سبک اروپین به صورت مکتبی‌های و تحت تسلط و قدرت روحانیون قرار داشت در این شیوه آموزش، به صورت و شکلی کاملاً سنتی و از نظر نقطه نظر محتویات درسی علوم مدرسه. صرف و نحو، منطق، عربی، فقه
انعکاس مظاهر مدنی غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

بیاناتی و اخلاقی که نمی‌توانست متضمن تولید و زرده‌گونی بین‌المللی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی

و اجتماعی باشد و به‌طور علمی بودند در دامنه و چنین سنت، به شاگردان آموزشی داده می‌شد. مراغه‌ای در سفرنامه ابراهیم بیگ آن که در باب مکتب خانه‌ای در شاهرود سخن می‌گوید و وضعیت این مکتب خانه را این چنین توصیف می‌کند: "رای و از ایام اطفال، چه مسیمواخنند: مدرک مکتب خانه در چوب می‌گفت بعضی الی باختری ژسته و، جمع‌آور آن‌مجرید و بزرگان که در این

صف نشسته‌انگلستان، بوستان، حافظ و همه چیز، گفتم جناب آخوند حافظ چه دخیل به درس

دارد؟ گفت یعنی چه حافظ شیرازی دخل به درس تدارد... گفت بله شما یا باید به اطفال از جغرافیا و

رده‌نیز درس بدهید. گفت هنده کدام است (مراغه‌ای 1364: 17/1: 27). با چنین وضعیتی طبیعی این که در سنفهای شاهانه به فرهنگ مدرسه‌های مختلف با مکتب‌خانه‌های ایرانی مورد

توجه اور قرار گیرد هر چندانی که منتج به اقداماتی تحویل بر گرفته در عرصه‌ای آموزش باشد

حاصل نگردید و تا این زمان تنا مدرسه‌ای نوین دارالفنون بود که آن هم بعد از مرگ امیر با پی-

توجهی شاه و عمال حکومت در رسیدن به اهداف عقیم مانده بود (احسان السلطنه، 1366: 18).

یحیی دولت آبادی، یکی از موانع اصلی در نرسیدن دارالفنون به اهداف مورد نظر بود مشوی

ساختن خاطر شاه توسط درباریان به این صورت که تحصیلات دارالفنون در افکار محصلین افکار

پدیدالشته می‌نمایدند (دلت آبادی، 1371: 328-329). باوجود چنین مخالفت جدی موضوع

آموزش به سبک نوین که درون بودند از علمه که در ارتباط با مدرسه‌ای ابتدایی میراکه(رشدیه

کمک نمودند و اجبار دادن خانه برای آن را حرام می‌دانستند) (اردکانی، 1354: 277-278)

در باریان، دور از ذهن به نظر می رسند ناصرالدین شاه که با جریان آگاه شدن مردم جامعه به طور

جذبی مخالفت داشت در سفرنامه‌هایش به فرهنگ به آموزش نوین توجه جدی منتج به عمل

نمانید. بلای اساس در این سفرنامه‌ها به نوشته‌هایی کاملان توصیفی بدون کوچک‌ترین دیدگاه

تحسین بالانگزدان روبرو می‌شوند.

در تقابل ناصرالدین شاه از مدارسی بازیابی به عمل آورند که بی شرح وی در مورد بازیابی

می‌پردازد؛ اول رفتیم مدرسه‌ی (اکل دکاده) به قدر ویاصر شاگرد داشت تمام مشغول تحصیل

بودند. موزیک زندگان اتاق‌ها را یک‌پان گردش کردند. از آنجا بریون آمید رفیم به مدرسه‌ی (زی
میان‌س) در این مدرس به قدر هشتصد شاگرد مشغول تحصیل بودند. مثل همان مدرسه گذشته.

بعد آمید به مدرسی دخترها که در زیب حمایت(بندی جنرال شرمانف) است. خود جنرال ناخوشبستی است حاضر نشده بود ویژه بودن زنجبی بودند. داماد صحبته کردم و در این مدرس به قدرچهار صد نفر دخترهای بزرگ و کوچک مشغول تحصیل هستند دخترها هم تمام خوشگل و مقبول هستنده.» (ناصرالدین شاه، 1373، 140). در جای دیگر از مدرسی کورها و نابینایان در پاریس صحت به میان می‌آورد. بعد از آن به مریخانه‌ی کورها یعنی مدرسی کورها رفتم، رئیس انجا موسیور پراس همه جا را نشان داد بسیار مدرسی خوبی است صدو سی نفر کورها یوحن از زن و مرد آنها تحصیل می‌کنند عده‌ی صنعت آنها ساز و آواز است که بعد از تکمیل بتوانند نان پیدا کنند. تالاری بود که انجا جای ساز و آواز آنهاست. جمع شدن‌کننده، کمک‌دهنده، بیانوی زندگی، بیانوی و برخی بیانیات خوب. بعد اطعام‌ها را گشته‌ها کوری اطاعی دارم. در اطراف یک بیانی بود و اغلب هم صنعت بافت‌نشینه و ویژه مثل جوراب‌لباس پچ‌گانه و غیره می‌آوردند از صنایع‌شنان چند چیز به یادگار گرفتم، این نوع الیهب اختراع که‌دانه، جب‌زدن. کاغذ برجهسته‌ی می‌شود. عده حروف برجسته کلمات است. کور دست روی آنها مالیه‌های کتابی باشد. می‌خوانند در کمال خوبی (ناصرالدین شاه، 1379، 138-161). شاهی که در سفرهاش این چنین توصیفاتی از چگونگی امر آموزش در فرانسه می‌آورد به احتمال قرب به یکن عنصر مقابسه‌ی این وضعیت با وضعیت آموزش در ایران در ذهن و انفیشه‌های شکل گرفته‌است و با علم به عقیده ماندگی ایران در تمام عرصه‌ها نسبت به فرانسه (بهمهم پرره بود) که لازمه‌ی اساسی ترقم و پیشرفت ایران تحول و دگرگونی در این عرصه می‌باشد. حال این سوال در ذهن متبادر می‌گردد که آیا ای در این راستا اقدامی در خور و شاگردان سوگل داده‌های بوده‌انه واقعیت نشان می‌دهد شهاد نسبت به هر گونه اصلاحی که در آن خطر برای پیشرفت قدامی احساس می‌کرد بودن و به شدت به مخالفت می‌برد. این بسیاری کسی از این تاعده مستثنی نبوده طری که بی موضوع باید مدارس نوین که در عهد افراد گی‌گرد، به‌میان می‌برد و مخالفت می‌برد. و مدارس می‌برد، این تاعده مستثنی نبوده طری که بی موضوع باید مدارس نوین وین که در عهد افراد گی‌گرد، به‌میان می‌برد و مخالفت می‌برد. و مدارس می‌برد. و همین‌طور به‌ًآفرادی وضعیت مدارس در غرب بودند از این‌ها هنگه قضاوت داردی از تابع‌ین، پرده از این حقيقة بردارد. چرا که اگر ای با این روند مخالفتی نداشت می‌توانست تحلیل
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

موافق با این روند پیش بند توصیف‌الشیوه پیاده‌شده در حالی از مدارس کوران،قرآن و لالان و دختران در فراغت سخن به میان می آورد. که در ایران شکل غالب آموزش، آموزش مکتب‌های اسلامی و نهایاً افکار مهاجر مسیحی و به‌ویژه مدارس توحیدی برای پروانشان در ایران داشتند و می‌زدند-

حسن رشدی‌که جویا درباره ایجاد مدارس ابتدایی نوین با روشن نوین آموزش الگوی بود یا مخالفت

جذب و منع مکرر، موفق به رسیدن به هدف‌گذاری

5. ناصرالدین شاه و مدرنیزاسیون غرب

به یقین می‌توان گفت با میان قراردادان محتوای سه سفرنامه‌ای شاه به فراغت ذاتی‌های عمده‌ای فکری او موجب تجیل‌های مذهبی مذهبی و جنبی‌های مفهومی و لذت مبتنی‌های آن بوده است. بخش‌هایی همچون: بازی این کتاب‌ها، زیبا، تماشا‌های‌ده‌کردن، دختران زیبا، شبکه‌های ارتباطی، کارخانجات صنعتی و...

عمده‌ی بحث‌ها و راجع به غرب در سفرنامه‌های می‌باشد که کاری به این موارد اشاره نموده است. چنان‌چه بر این موضوع تاملی شرود موجهه می‌گردد که این موارد یا نه تیب و هر سای بر ادامه‌ی حکومت‌ها در پی ندشت بلکه در صورت تحقیق می‌توانست شکوه‌مندی قدرتش را بر همگان نشان دهد.اما نکته‌ای که با این غافل بود این‌که مدرنیزاسیون غرب، بر پایه‌ها و ارکان نظری و فرهنگی پیاده شده بود که در صورت فقیدان آنها، تحقیق شدن آن کاری سخت و دشوار و مشکل بود. چیزی که در عهد ناصری به کرات شاهدار آن بودیم و اکثر قربا به انفجار طرح‌های مدرنیزاسیون حکومتی در اجرا با مشکلات عدیعه و عدم موافتی و کامیابی مواجهه‌گردد. با این‌حال شاید می‌شکد که مدرنیزاسیون و مبانی فکری و نظری مدرنیته، طور هم‌زمان قابلیت تحقیق می‌یابند. آنچه مورد عنايت شخصیت روش اندیشی چنین میرزاحسین خان سپهسالار از تشیع شاه به مسافرت به این‌گونه بود نیز همین نکته بوده که به تقلید عثمانی‌ها عادات و رسوم اروپا بپیاد (سپهسالار، 1338 : 1/13). منظور و موارد میرزاحسین خان سپهسالار از عادات و رسوم اروپا بود.

15
متخصص و خبره که با در نظر گرفتن تمام جوانی تولید چون: رقابت پذیری، سود آوری، قیمت-

tمام شده‌ی مواد اولیه و... به فعالیت تولیدی پردازند از عدم مشکلات پایه‌ای برای موفقیت در
این زمینه (جمال زاده، 1384: 97-99). علاوه بر موارد ذکر شده در بالا، کارشناسی رقابت خارجی
به دلیل تووان رقابت بالاتر در مقایسه با تولیدات کارخانه‌های داخلی به عنوان عاملی در
ورشکستگی فعالیت‌های اقتصادی عمل می نمود. جنبه‌های قدرت ریزی در کهیریک به دلیل
امتباز قند تولیدی اش بر قند روس بازار این کالایی روس در ایران را کساد کرد. بود به همین دلیل
روس‌ها قند خود را به قیمتی پایینتر از قیمت تولید به بازار عرضه کرد که رقیب خود را از دور
خارج کند که موفق هم شدند (اردکانی، 1376: 42-47). حال در ادامه‌ی آن بحث، جنبه‌های
کانوی توجه شاه به تجارتگری را با توجه به سفرنامه‌های ذکر می‌نامیم.

الف. ضعف و فاقدی

از نبهایی که از بارزترین وجوه مدرنیزاسیون تجدیدغرب، صنعت و فناوری آن می‌باشد این
بخش برای ناصرالدین شاه، بسیار قابل توجه و مورد نظر واقع گردید و در سفرنامه‌های به کرات به
صنعت و فناوری در غرب اشاره نموده است. نظیره طبع خودکامی شاه در این بخش صنایع نظامی
بیشتر مورد توجه واقع گردید. در شهر ولیج لندهن از کارخانجات توب‌سازی پازی در بهب در عمل آورده
پی نویسید: "توی کارخانجات رقیق حالا رسم است توب‌ها را با قابل نمی‌ریزند. آنهم تخته را با
اسبابی که درنده لوط می‌کند به هر اندازه که توب به‌خواهند بعد از آن به کارخانه‌ی دیگری برده-
زیرا چهکسی به خارگذاری، فشار داده می‌کوند و جوش می‌دهند توب می‌شود گفتند این طور
اعتبارش بیشتر است یکی یکی کارخانه‌ها را دیدم" (ناصرالدین شاه، 1343: 94). در آلماان نیز از
صنایع نظامی کروب دیدن می‌نمایید: "یک ساعت به غروب مانده رسفیدم به کارخانه‌ی کروب
مسیب کروب خودش سر راه آهن آمد. بود توپ گول در اینجا از دهاد انواع توب‌ها از توب
پرزگ قلعه و توب کشی و توب چینگ صحرایی همه اینجا ساخته‌ی می‌شود دستگاه و کارخانه‌های
بخار مثل یک شهر عظیمی است" (همان: 59). نکته طنز‌آمیز اینجاست که شاه به جای تحمل فننی
و اقتصادی از سوژه‌های صنعتی به تحلیل آسمانی و متافیزیکی می‌پردازد. آنچه که در ورشو مانند
تصفیه آب رودخانه‌ی ویستول برای تامین آب شیر را توصیف می‌کند چنین می‌نویسد: "زیاد که
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه های ناصرالدین شاه به اروپا

آدم نگاه به این ماهی، در واقعیت یک کسی، و این کسی را باید به واقعیت ساخته و این انتخاب اساس ساخته شده است. تناهی از شوک که این ماهیان ایجاد می‌نمایند در این کارخانه‌ها، استفاده از روش‌های نوین و به‌کارگیری تکنیک‌های جدید در استفاده از مواد ساختاری و روش‌های بهبود گونه‌ای، می‌تواند به بهبود کیفیت و کیفیت کارخانه‌ها کمک کنند.

برای اولین بار در کشورهای غربی، این کارخانه‌ها به شکل بودن و در واقعیت یکتایی به بازار عرضه می‌شوند و در واقعیت یکتایی به بازار عرضه می‌شوند و در واقعیت یکتایی به بازار عرضه می‌شوند.

پس از اینکه، این دستگاه‌ها، بیشتر از دیگر دستگاه‌ها در زمان صدارت میرزا-حسین خان سپهسالار با زبانی انتقاد‌آمیز، نامه‌ای به مجموع وزرا نوشته و در آن می‌نویسد: «بعضی کارخانه‌ها که در اروپا وجود دارد و دوبل پروری می‌شود و شدید است اما امکان تخلیه حاصل از ایران بتوان کرده اما هر کاری را این داشته‌ای به نویسی پیکمین آیا یکی از آنها را هم در توانی کرده راه آن نداشت‌به‌اش ایا در قطعه به اساسی مورد آنها را هم ناب کرده‌ای.»

توان کارخانجات ساخت و راوج صنعت و تجارت داد آیا نمی‌توان کارخانجات قندس‌سازی در مازندران مهی‌ساخت آیا نمی‌توان کشتی‌های بخار از هر نوع در دریای عمان به اندکی اصل مفصول این است که وزرا راجع به این موضوعات به ارائه‌ای راه حاکم‌زاده‌(تیموری،۱۳۲۲)، اما مصالحی ای اساسی بستر سیاسی و اقتصادی مناسب برای موفقیت طرح‌های صنعتی بوده به طوری که این طرح‌ها در عرصه عمل همچون کارخانجات کریست سازی در الیه‌های شمیران و کارخانجات قدنریزی در کهیزک با عدم موفقیت روبرو شد.

ب. ابعاد فلسفی و تریفکی

از دیگر موارد مورد عنایت شاه در سفرشباش به غرب چه موجبات کامپختشی و تایید وی از راه سابقه‌بود تماشا‌خانه، پارک‌ها، باغ‌های خوش‌اخوری، سرپرستگی، کنسرت و کازینو بود. انشه مشخص است شاه از مشاهده‌ای این ابراز‌های شادی اتفا کسی، به دلیل صبر به تعابیرهای تصویری محیطی بهشت گونه را بازاری‌ای و ملوی افزوده پرویز به تماشا‌خانه باغ و خوش‌اخوری، و می‌نویسد: «سوارکالاکسکه شده رفتن باش و خوش‌اخوری، به زبان و اقتصاد مرغ‌های آبی در دریاچه به کنار کشیده پزشکی باید دیده شد که هر نوع حیوانی را در قفس علی‌حده گذاشته بودند انواع مرغ‌های شکاری از قراقاش و کندور که مرغ‌های شکاری معروف
بزرگی است و از یک گروه نانوکه از آن بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۴۳:۵۱). در پروسه بپیکر، نقوش، تاریخ و مساحت، ارگیون و سیاست، به تماشای اکراپیوم نیز رفته و می‌نویسد: امروز می‌خواهم برویم به اکراپیوم شعری جایی که حیوانات و نباتات در بازی واژه گذشت تماشا نگه دارند انتخابات و حیوانات و نباتات بحری آتی روی حوضها که روز آنها به مرکز و آیینها به پرگ است اندکی‌ها و متصل هم آب‌ها تمجید می‌کند از آن‌چه که ما ایستاده تماشا می‌کنیم به حوض پیدا بود همه ما ماهی و جانورها و نباتات به حال طبیعی که در دریا دارند پیدا هستند (هیمان:۵۳). تاریخ و رقص از دیگر جلوه‌های زیبای تجدید غربی در نگاه شاه ظاهر می‌گردد. مسکو یک دروت دالغروگی برای تماشا تاثیر به سالن تاریخ می‌روند و آن را این گونه توصیف می‌کند: جراغهای گاز و غیره جلوه‌ی غریب داشتند. بهره بالا رفت. به اقسام مختلف رختها پوشیده ایستاده بودند. اصل باید بداند، پسر پادشاه عروسی می‌کند و از طوابع مختلف با لباس‌های غربی و عجیب برای آنها می‌قصیدند که بهتر از این رقص نمی‌شود. چه پره‌های دورنما که در عقاب آنها تشکیل داده بودند. مثل عالم بهشت با خیال به نظر می‌آمد. فقط رقص می‌کردن دیگر افراد نیز. خیلی آدم خوشگلی داشتند، من به این خوبی خاطرمن به نبوت. (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۳:۱۳۷). بازدید از موزه‌ها از جمله موزه‌ی لوور و ارمنیاز از دیگر مکانهای مورد تماشا شاه در سفر به غرب بود. جالب این جاست شاه در حالی نهایت لذت خوشی را از چنین امکانات و اسباب تفریحی که کشورهای غربی برای شهروندانمان فراهم ساخته بودن توصیف می‌کند که در مملکت ایران چن اعبای رسوم ملی و مذهبی و یه گونه امکان تفریح و شادی بی‌مردام وجود داشت و آنها زندگی اینان را با سختی‌ها و نگاه‌های بسیار سیبری می‌نمودند و در حالی نهایت لذت خوشی از این امکانات رفاهی را می‌نویسند که به کوچکترین و کمترین شکل ممکن صحتی از مقایسه با وضع ایران در ذهن و فکر خوشی مبادله نمی‌سازد و با غرب و تبهکاری شاخص دید و بازدیدهای را ادامه دهد. تحت تأثیر این مشاهدات لذت مانده به دو که ناصرا ولین شاه در عمارت سلطنتی به تاسیس موزه اقدام می‌کنند. امید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸:۴) باوع دوش مخصوصی تاسیس موزه که گویا یکی دو شبیر و ببر داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴:۱۳۰) تاثیر افتتاح می‌نماید (هیمان:۱۶۳) اما این اقدامات بسیار مختصر و کم دامنه‌ای نمی‌توانست جز حداقی از آن فضای فرح بخش گر نگ برای شاه باشد.
انعکاس مظاهر مدینت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

چ راه آهن تلگراف، شهسرایی و انظمامات شهری

سیستم راه آهن و خطوط تلگراف، شهرسازی، ترافیک و انظمامات شهری از دیگر جلوه‌های متجددشان که مورد نظر شاه در سفرنامه‌های وی باشد، توصیف ناصرالدین شاه در شهر بزلن از وضعیت قطار درون شهری و سیستم تلگراف آن قالب توجه است.

مللی از اینجا سه می‌آید و می‌رود اغلب این طرح‌ها به جهت آمد و شد شهری است که از یک محله باترین به محله‌ی دیگر می‌رود. در هر مرحله گار هست می‌رونده در طریق‌ها می‌نشینند. می‌رونده و متصطل طرح‌های گذشته و هیچ چنین نمی‌شوید. معلوم می‌شود که تکنیک و عملیات راه آهن دو ساعت به دو ساعت عوض می‌شوند. ممکن نیست بدون عوض شدن از عهد که برای سیر دیگر برای وضع سیم‌های تلگراف است یک سیم و دو سیم و همین نیست در بلندی‌های جمعیت‌های مرتقع می‌باید کلیفت آن‌ها نصب کرده و به آنها به عرض چند مارت می‌گذشتند به چین سیم‌ها کشیده‌اند.

مثل تار عنکبوت که اگر آدم بخواهد بیماری چشم شیره می‌شود و ممکن نیست،(همان: ۱۲۴).

در توصیف شهرسازی شهر لاهه هند است که کوه‌های وسیع، سنگ فرش بسیار خوب، جمعیت‌های سه، چهارمرتبه عالی، بن‌ها، محکم‌ها، یک، تمیز و شسته‌ی خیلی قشنگ می‌نویسد (همان: ۱۵۳). در بین ترافیک و انظمامات شهری لندن توی توسط پلیس می‌آورد که: سوار شده این دفعه از کوه‌های رجن استریک گذشتند. بعد آمدم به کوه‌های پیکادلی آن هم کوه‌های یک‌گرو است. در حقيقة بازار است. دو طرف دکان‌ها است. دکان‌های عالی، امتعه زیاده‌هه دکان‌ها این می‌بایست. یکی از دکان‌ها در مردر (مردرو) و کوه‌های بی‌پایه می‌رونده و می‌آیند. در وسط کالسکه و عرده و امی‌بیس بوس بعد قدری است که زمین کوه بی‌پایه است و شخص تعجب می‌کند که چطور از یکدیگر می‌گذرند محل است در این کوه کالسکه بتوانند.

تند برود با وجود این اگر مهارت کالسکه چه‌ها و قدرت پلیس این شهر نیابد. روزیه هزار اتفاق می‌افتد. قدرت پلیس طوری است که به یک انتاره دست جلو تمام را نگاه می‌دارد. کالسکه هرکس باشد فوراً می‌بایست. گفتگو ندارد. (همان: ۵۲). چه خوب‌ها، بود این لذت بردن‌ها و نشگفتی‌هایی شاه از مشاهده‌های این چنین پیشرفت‌هایی انجیره‌ی لازم برای پیشرفت خواست اصلاحات رادر وی تقویت می‌نمود تا شاید تغییری هرچند انگیز در وضعیت و همه و مرگ‌اند مملکت حاصل می‌آمد. چیزی
که انگیزه روش‌نگاری همچون میرزاحسین خان از تشویق و ترغیب شاه از سفر به فرانک
بود. موضوعی که جز روابط حاصله عملی به بار نیاورده و شاهی که در چنین خودکاملی زیست می-
نمود نمی‌توانست چنین اقداماتی را از دایره شعور به عمل نیاورده و یا حداقل از سایه ظلم‌الهی و
محوریت قیلبه عالم بودن خود می‌کاست تا شاید در جایی‌گاه یک انسان زمینی برای گرده‌گشایی
مشکلات زمینی را حلی عرفي و دینی یابد.

مراکز بهداشتی غرب جهت رسیدگی به وضعیت بیماران نیز در سفرهای شاهانه غرب مورد
پذیرفته یا قرار گرفته: رفتن به مرضخانه سنت توماس که در مقابل پارلمن واقع است این
مراجعه‌ها را ملی می‌ساخته است از زمان ادوارد چهارم بنیان‌گذاری و حال دو سال است تمام
کرده‌اند از آن زمان تا هیچ حال هم امروز همه ساله به میل خود پول جمع کرده به جهت
مصرف مرضخانه می‌دهند که دو و غذای همه می‌رسی مفت است»(نامزدهنی، ۱۳۴۲: ۱۲۶).

شامل در حالی از مراکز بهداشتی غرب سخن به میان می‌آورد که در مملکت تحت سلطه او
تنها شخصی و منتفذ حکومتی حکومتی فاجع از درمان به شیوه‌ای مدرن بهره می‌بندند و بقیه
جامعه از پرپکشان محلی با روش‌های سنتی و اغلب ناکارآمدشان بهره می‌گیرند.

نامزدهنی شا، انگیزه آنها که از سیستم آتش‌نشانی در انگلیس می‌توسد نقدی قابل توجه از مدرنیتی
غربی می‌نماید که در جای خود قابل اعتنای و ارزش‌گذاری می‌باشد: تلمبه‌پیمان انگلیس آمدید در
باغ عمارت مشق کردن نردبان‌ها، گذشته‌اش به خیال اینکه مربی‌پی بالا آتش گرفته است به چپ‌کی
وبلندی تمام از نردبان بالا رفته مردم سوخته و نمی‌سوخته و سالم را برخی را به دوش کشیده
پایین آوردن بعضی دیگر را طابع بکامار به سه نمایش بسته به زمین فروند آوردن برای استخلاص مردم
اختراق خوبی کرده اند اما تبعید در این است که از یک طرف این نوع اختراعات در اهمامات
برای استخلاص انسان از مرگ می‌کند از طرف دیگر در قرخانه‌ها و جبه خانه‌ها و کارخانه‌های
ولیق انگلیس و کروپ آلمان اختراعات تازه از توب و تنگها و کلودی و غیره برای زودتر و بیشتر
کشتن جنس انسان می‌کند(۱۳۴۲: ۱۱۴). لاید نامزدهنیشان متوسط این موضوع بوده‌اند که این
نوع تشکیلات و ناسیسات آتش‌نشانی پا به پای گستری‌تر شده و ترقی بخش‌های خدماتی
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

و صنعتی به وجود می‌آید و برای مملکت عقب منعه و توسعه نفوذ‌های چون ایران عصر اول که شهرها پر از فضله و بهن حیوانات اهلی بوده‌ Propel ی بی‌ارج و اهمیت بوده است.

۶. بیان‌ها و نتایج سفرنامه‌های به فرانسه

همانطور که در صفحات قبل گفته شد محرک ترغیب و تشوبیه سفر شاه به فرانسه می‌باشد - خان سپهسالار بود تالشی با مشاهدی پیشرفته و ترقی کشورهای اروپایی انجیره ی رفوت و اصلاح طلبی در یک تقویت و در جهت اصلاح و ترقی مملکت جام هنایی بردارد و یا لاقلت با جریان‌های اصلاح طلبی مخالفتی نماید. شاه که تفا سفر او اول به فرانسه با قصد مشاهده ترک‌تک یک بهبود سازماندهی و سازگاری را به قصد لزومی خواهی و خوش‌تغذیری انگیز داد کوچک‌ترین اقبال و تمایلی به مبانی و مفاهیم بنیانی جدید همچون: آزادی و براربری نشان نداد و تنها به جلوه‌های مادی جدید غربی اقبال و گرایش نشان داد که در این مسئله نیز جز شکل و تماهمی

ای سطحی و بسیار کم مطمئنی را ندانست در مملکت جام‌ی از دید. که همین صورت برمی‌ریز نیز نتیجه‌ی برای هنر استعمال و کاربرد پیدا کند. اما تا این زمانی می‌باشد:

نویسته: سپس عاج که تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه نیز از مبان آن همه ابتدای فرهنگی که آن جملات دقیق در کتاب وزیر مطبوعات و نشریات شاه، محمدحسن خان عظیم‌السلطنه با عنوان المان و آخر به ثبت رسیده حتی چنین هر یک را نموه به عرضی استعمال هنری راه پیدا نکرد. چرا گزاری و (بعداً چرا گزاری) کالسه و سایرین قبیل تسهیلات اسباب بناهای گران قیمت ملونی باقی مانند در عین حال کارگاه‌های نخ‌ریزی، کارخانه‌های پارچه، بافی، شیشه‌سازی، فلزات و اسلحه و مهمات هنگامی که از روی تفسیر و کاغذ پا فراتر می‌گذرد، سرنوشتی اسفناکی یافت که نشان از تکنیک‌هایی شاه داشت (امامت، ۱۳۸۵: ۵۵۹). احمد کسروی درباری نتایج سفرنامه‌های شاه می‌نویسد: به جای یکپارچه شکوه نرینی اروپا را تیب‌ی همدستی دولت‌ها و ترددسی دانسته ای یکی نموده و به نکات اورده و به کارخانه‌های سودمندی وا دارد از دیدن آن شکوه و نیر خبره گردید و به نومیتی گرایید و در بر اساس‌های ناتوانی و زبونی

بیشتر نموده (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۰)
پسران، از کتاب خاطراتش می‌نویسد: «خیلی این مسافرت اروپایی پدرم من شبهه مسافرت بطریک است اما همان تابعی که او برده این عکس برده.» (تاج السلطنه، ۱۳۶۱: ۹۳). امین الدولة در کتاب خاطراتش درباره نتایج سفر اول شاه می‌نویسد: از سفر اول فرغانستان نتیجه و ره‌آوردی که شاه برای مملکت ایران آورده چندین هزار تن‌گو سربازی بود که از آلمان به قیمت ارزان خریدند و مبلغ فن‌گو برای فن‌گویی مزبور به توصیف مبزرا احمدخان آجودان صدارت- اعظمی به کارخانه‌ای اتریش فراموش داده و دو نفر مدیر و معلم برای پست و ضرایبانه که از اتریش استفاده شده بودند.» (امین الدولة، ۱۳۵۵: ۲۰). در جیران سفر دوم شاه به اروپا در کشور اتریش از وضعیت پلیس نوین مطلوبی که از این لعلامی تأسیس چنین تشکیلاتی علاقه‌مند گردیده و توسط صاحب منصب اتریشی که نام کنت منت پلیس تهران را به آنجا می‌آوردند ولی جنگی امین‌الدوله می‌نویسد به جای اندازه‌بخشی به امور شهر تهران و تایین آمیزی به عامل به نظمی و سرقت و غارت و ایجاد مردم بدلیل می‌شود (همان: ۵۶-۵۷). گویا، پرسش خودکاری شاه به سهولت تمام جنبه‌های نظامی تجدید جا جذب می‌نمود و به اجرای می‌آورد به طوری که در سفر دورمیش به فراغت لازم جمعی صاحب منصب نظامی اتریشی استفاده نمود و مقام‌داری اسلحة و مهمات خریداری کرد از ترس عده‌ای بقای آنها مبادا چنین اقدامی موجب رنجاندن دوست روسیه گردید.از روی علاقه‌ای از روس‌ها می‌خواهند نیروی نظامی به سبك فراق‌های روس برای ایران ترپیم نمایند.» در سفر ثانوی فرغانستان هنگام عبور مکابی همایون ملک‌انه از روسیه چون وضع سوراهی فراق‌های خیلی ضعیف‌مطلب مبارک شهربازی افتاده اراده فرمانوده که بکنی قسمی از سوردهی دولت علیه به وضع فراق منظم و مربی شد و از اعلایفضوات امپراتوری روس خواستنصب مسافر فرمانوده که به ایران ایلام سواره داشته فراقی خدا بر این اوقات کننده، دمتم ویچ، را اعلی حضرات امپراتوری روانی ایران فراموش و پس از ورود صاحب منصب مشارالیه جمعی از سواران مهاجر و غیره به او شهردش شد.» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸: ۲۳۸۲/۲۳۸۲). چنانچه در روند تحولات تاریخی مشاهده می‌گردد این نیرو نیز در تحت فرماندهی فرمان‌دهان روس به عاملی سرکوب گر و خفقتان آمیز تبدیل گردید که در خدمت استبداد فجری حککت‌های
انعکاس مظاهر مدنی غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

مقدمه و اعتراضی نسبت به حکومت را سرکوب می‌کرد. چنانچه در جریان مشارکت، روسی مجلس مشروطه را بمبازان و به تعطیل مشارکت و شروع استبداد صغير کمک شیبایی نمود. دنیس رایت در کتاب ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، نتایج سفر شاه به فرانسه را از نظر سیاسی برقراری توافقی در مورد خطوط مرزی ایران و افغانستان در سیستان احداث نهادی هائل دیپلماسی اروپایی در قزوین ایجاد یک باغ و حاشیه و رواج دامنه‌ای خواص‌های باله در نهایت در اندرون‌خانه‌ها می‌داند.


امانت می‌تواند با علاقه‌ای اولیه، شاه به این موضوعات، آلات و ابزاری با وی و نقاشی و معماری، اسلجوک کالسکه رفته رهبه و صورت جمعی، گروهی درآمد که نمونه‌ای آن، به‌نها اشتباه وی به ایجاد خط تلگراف مستقیم از خط هند ـ اروپای انگلستان بلکه میل شدید به احداث پیک شیکی راه آهن بود ساختن خطوط راه آهن دهه سال موضوع مذاکرات طولانی و توئن فرمانی، با دولت سرماهی گذار اروپایی بود که گناه برای چند زمان با نقشه‌های بلند پرواز رو و اغلب منفعت جویانه در افک ایران ظاهر می‌شود. (امانت، ۱۳۸۵: ۵۵۷).

شیمی معنی‌دار است شاه با مشاهده‌ی امپراتوران روسیه و آلمان و انریش که در آن عصر مظهر استبداد کامل و از مقتدرتین سلاطین عصر خود بودن این اندیشه را در ذهن خود پرورانده کرده و از چه راه می‌تواند قدرت سلطنت را هرچه بیشتر در سراسر کشور خود بسط دهد (شیمی، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

چنانچه به مجموع این دیدگاه‌ها نیک تغییرتپیده خواهیم شد که هیچ کدام وجه مثبت قابل توجهی برای نتایج و پیامدهای سفرهای شاه به فرانسه قائل نیستند. شاه با این مقایسه فکری و نظری تجربه غرب که با سلطه استبدادی آش در مغایرتی استبداد بود با تمامی یافت بود و از این نظر هیچ پیامد آزادی خواهی‌های این سفرها در پی نداشت و از نقطه گزینشی نیز جز صورتی سطحی و بی‌رمق حاصل چندانی به بار نیامده طرح‌های معدود صنعتی در زمینه‌ی
احداث کارخانه‌های آنکیون: کارخانه‌های فن‌سازی و کسب‌سازی و... به شکست انجامید. در زمینه‌ی راه‌سازی یا طرح‌های عملی، نشان داده‌های محدود، راه‌های فرعی که عمداً مسیر کالای سلطنتی بود اجرایی گردید. در زمینه‌ی شبکه‌ی پستی در سال ۱۲۹۱ هجری شمسی پس از بازگشت شاه از اروپا یک هیئت ارائه‌ی را به روابط ریز برای اداره‌ی امور پست ایران استفاده کرد و هیات مزبور از سال ۱۲۹۲ زمام امور پست را به دست گرفت و به تدریج قاصدیها و پیک‌های پیش‌هده به پیک‌های مبارز و حمل و نقل پذیر نسبت به سایر سریع‌تر گردید (شیمی، ۱۳۸۷: ۱۷۸). شاید بتوان گفت تاها چه ار و یا مدرن‌ترین‌سپان که در عهد ناصری به شکلی محور با جهان اجراسر و گردید ایجاد خطوط تلفن‌گرایی از مرکز به ولایات بود که آن نیز به شکلی انشابی از خط تلفن‌گرایی اتصال انگلستان به هند بود که امکان ارتباط مرکز با ایالات را فراهم ساخت. توجه به تنظیف و پاک‌کردن تمودن‌‌ای والتز و زیباسی سازی شهر با انجام اقداماتی جون سنگفرش کردن کوه‌ها و معمول نمودن کالسکه برای جابجایی درون‌شهری (اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۷۸) که قطعاً سفر‌های شاه به اروپا و مشاهده زیباسازی فضای شهروی یا تخته‌های اروپایی توسط حکومت‌های اروپا در آن تأثیری داشته است را می‌توان از دیگر دستاوردهای اروپایی سفر به اروپا در چنین ایالت نظر جلوه‌های مادی تجدید نیز چهره مملکت جز تغییراتی اندک و غیر قابل لمس تغییر‌های اساسی در خود ندید.
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی و تحلیل متن سفرنامه‌های ناصرالدین شاه فاجع حاصل می‌شود اینکه این شاه در تعامل و ارتباط مستقیم با دنیای متجدداتی مغرب زمین کانون اصلی توجه را رعی نموده با جلوه‌ها و مظاهر مادی مدنیت غرب‌چین، جلوه‌های زیبای زنانه، موزه‌های هنری و حش، پارک‌ها، کواریوم، نام‌ها، عروسای، سیستم‌های اتصالاتی، انرژی، شهر و سایر شرایط و بروزها و جلوه‌های دلپذیر بار فرتنگ نموده و به بعد علائم و مولفه‌های بنیانی تجارت محدود نموده است که در تحلیل این اشارات محدود نیز مشخص می‌شود که این شاه اول‌اکثریت و تعاملی به این بعد مدرنیته‌نداشت و دوماً درک وی در این زمینه نیز بسیار سطحی و غیر عمیق بوده است. نکته این‌که این جامعه‌ای که در ناصرالدین شاه نسبت به تجارت ماداتی تجارت حاصل گردیده در هر چند انجام-ی انجام‌چنین اقداماتی را در فکر و ذهن ایشان پیدا داشته و در عمل جریان اقداماتی محدود و طرح‌هایی که در عمل با عدم کامپایپ و موفقیت روبرو شده حاصل نگردیده که شاید علت آن نیز این بود که به سر انجام رسیدن روند مدرنیزاسیون بدون توجه به بنیان‌ها و مفاهیم اساسی تجارت موضوع مشکل و دشوار بوده و چند که گام‌های محدود ناصرالدین شاه در این زمینه در آن مقطع زمانی می‌توانست حداکثر محدودیت ارزش و اعتبار را داشته باشد.
منابع و مأخذ
- اعتماد السلطنة، محمدحسن خان (1368) روزنامه خاطرات اعتماد السلطنة، ج2، تهران: اول تهران: امیر کبیر.
- اعتماد السلطنة، محمدحسن خان (1368) خاطرات اعتماد السلطنة، ج1، تهران: اول
- اعتماد السلطنة، محمدحسن خان (1368) گزارش همایش اجتماعی، تهران: زبان فرهنگ ایران
- اعتماد السلطنة، محمدحسن خان (1374) مأموریات اتاق ۲، تهران: مصحح حسن محبوبی
- اردکانی، تهران: اساطیر
- امانت، عباس (1385) ترجمه: علی جمک، تهران: کامشاد تهران: کارنامه
- امین الدوحة، علی اصغر خان (1375) خاطرات سیاسی میرزا علی اصغر خان میرزا فردوسی، ج1، تهران: حافظ فرانسیس لوئی، تهران: امیر کبیر.
- اعتماد السلطنة، محمدحسن خان (1366) خاطرات اعتماد السلطنة، ج1، تهران: محمدرضا موسوی، تهران: وزارت آمدوت، فریدون (1340) فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، ج1، تهران: سخن.
- آمدوت، فریدون (1340) ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ج1، تهران: سخن.
- آمدوت، فریدون، ناطق هما (1356) افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده، دوران قاجار، ج1، تهران: آگاه.
- آمدوت، فریدون (1343) ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ج1، تهران: پام.
- بیانی حسن‌الله (1375) پنجاه سال تاریخ ناصری، ج1، تهران: نشر علم.
- تاج السلطنة، محمدحسن خان (1341) خاطرات تاج السلطنة، ج1، تهران: منصوره احتجاجیه تهران: نشر تاریخ ایران.
- تیموری، ابراهیم (1332) عصری خیری باتاریک استریات در ایران، ج1، تهران: اقبال.
- جمال زاده محمدعلی (1384) گنج شاپیگان، ج1، تهران: سخن.
- دولت آبادی، حجی (1371) حیات حجی ج1، تهران: نشر عظیر.
- رایت، دنسی (1362) ایران در میان انگلیسیها، ج1، ترجمه منوچهر ظاهری، تهران: انتشارات آنتیکی.
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا

- ساسانی، خان ملک، (۱۳۸۸) سیاست گران دوره قاجار، ج. ۱، تهران: هدایت.
- شمیمی، علی اصغر، (۱۳۸۷) ایران در دوران سلطنت قاجار، ج. ۱، تهران: بهزاد.
- ظل السلطان، مصعود میرزا، (۱۳۸۷) ج. ۲، ج. ۱، مصخ ره حسین خدیو جم، تهران: اساطیر.
- فوریه، (۱۳۶۲) س نه در دریای ایران، ج. ۱، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: دبای کتاب.
- کرزن، جورج، (۱۳۸۶) ایران و قضیه‌ی ایران، ج. ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کسرودی، احمد، (۱۳۸۳) تاریخ مشروطه، ج. ۱، تهران: امیر کبیر.
- میلانی، عباس، (۱۳۸۲) تجدید و تجدیدسازی در ایران، ج. ۳، تهران: اختران.
- مراغه‌ای، زین العابدین، (۱۳۶۴) سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ، ج. ۱، تهران: اسفر.
- محبوبی اردکانی، (۱۳۷۶) تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- محبوبی اردکانی، (۱۳۵۹) تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ناصرالدین شاه، (۱۳۴۲) سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه، ج. ۱، اصفهان، سازمان انتشارات ادیسهای اصفهان.
- ناصرالدین شاه، (۱۳۷۹) روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنسستان، ج. ۱، مصخ، فاطمه قاضی‌های، تهران: سازمان اسدالملک.
- ناصرالدین شاه، (۱۳۷۶) روزنامه‌ی سفر ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرانسه، ج. ۱، مصخ، دکتر اسماعیل رضوی و فاطمه قاضی‌های، تهران: انتشارات سازمان اسدالملک.

۲۷
انعکاس مظاهر مدنیت غرب در سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به اروپا